

تحقق مردم‌سالاری دینی از منظر قرآن کریم

راهبردها، راهکارها چالش‌ها و موانع

سید زهیر المسیلینی ۱

چکیده

مردم‌سالاری دینی به‌عنوان الگویی از حکومت که بر مبنای آموزه‌های الهی و نقش‌آفرینی مردم در نظام سیاسی استوار است، یکی از مباحث اساسی در اندیشه اسلامی به‌شمار می‌رود. قرآن کریم به‌عنوان منبع وحیانی، اصول و چارچوب‌های این نظام را تبیین کرده و بر مشارکت عمومی، عدالت، شورا و مسئولیت‌پذیری تأکید دارد. با توجه به چالش‌های معاصر در تحقق مردم‌سالاری دینی، بررسی راهبردها و راهکارهای قرآنی آن ضروری به نظر می‌رسد.

هدف این پژوهش، واکاوی مبانی قرآنی مردم‌سالاری دینی، ارائه راهبردهای تحقق آن و شناسایی چالش‌ها و موانع پیش‌روست. پژوهش حاضر با روش توصیفی — تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع تفسیری، آیات قرآن و مطالعات پیشین، تلاش دارد چارچوبی علمی برای تحقق این نظام ارائه دهد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مردم‌سالاری دینی در قرآن بر پایه اصولی همچون حاکمیت الهی، شورا، عدالت اجتماعی، نظارت عمومی و مسئولیت‌پذیری استوار است. از سوی دیگر، تحقق این نظام مستلزم تدوین قوانین منطبق بر شریعت، افزایش آگاهی و مشارکت عمومی و بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی است. با این حال، عواملی همچون تفسیرهای نادرست از دین، تقابل جریان‌های سکولار با ارزش‌های اسلامی و ضعف در اجرای ساختارهای حکومتی دینی، از مهم‌ترین موانع پیش‌روی تحقق این الگو به‌شمار می‌آید.

نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران، پژوهشگران و اندیشمندان اسلامی، در شناخت ابعاد مردم‌سالاری دینی و تدوین راهبردهای عملی برای استقرار آن کمک کند.

کلیدواژه‌ها: مردم‌سالاری دینی، قرآن کریم، حاکمیت الهی، شورا، عدالت اجتماعی.

مقدمه

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی نمایندگی گلستان، استادیار و مدیر گروه فلسفه و کلام اسلامی:

zohir_mesilini@miu.ac.ir کد اورکید: ۷۲۶۷-۱۳۳۵-۰۰۰۸-۰۰۰۹/https://orcid.org/

بیان مسئله و اهمیت موضوع

مردم‌سالاری دینی یکی از مباحث اساسی در اندیشه سیاسی اسلام است که تلفیقی از حاکمیت الهی و مشارکت مردمی را ارائه می‌دهد. این نظام برخلاف دموکراسی لیبرال که مبتنی بر اراده انسانی بدون محدودیت‌های الهی است، بر پایه آموزه‌های قرآنی و اصول شریعت اسلامی شکل می‌گیرد. قرآن کریم با تأکید بر شورا: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ ۖ بَيْنَهُمْ﴾، عدالت: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ﴾ و مسئولیت‌پذیری حاکمان، چارچوبی روشن برای تحقق مردم‌سالاری دینی ارائه می‌دهد. با این حال، اجرای این مدل حکومتی با چالش‌های متعددی مواجه است که از جمله آن‌ها می‌توان به برداشت‌های متفاوت از مفاهیم قرآنی، نفوذ اندیشه‌های سکولار و مشکلات ساختاری در جوامع اسلامی اشاره کرد. از این رو، بررسی راهبردها و راهکارهای قرآنی تحقق مردم‌سالاری دینی، از اهمیت بالایی برخوردار است.

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

۱. مردم‌سالاری دینی از منظر قرآن کریم چه مبانی و اصولی دارد؟
 ۲. چه راهبردهایی برای تحقق مردم‌سالاری دینی از دیدگاه قرآن قابل استخراج است؟
 ۳. راهکارهای عملی برای پیاده‌سازی مردم‌سالاری دینی در جوامع اسلامی چیست؟
 ۴. چه چالش‌ها و موانعی در مسیر تحقق مردم‌سالاری دینی وجود دارد و چگونه می‌توان بر آن‌ها غلبه کرد؟
- پیشینه تحقیق (مروری بر مطالعات انجام‌شده)

مطالعات متعددی به بررسی مفهوم مردم‌سالاری دینی پرداخته‌اند. برخی پژوهش‌ها به مقایسه آن با دموکراسی غربی پرداخته‌اند و برخی دیگر بر مبانی قرآنی و روایی آن تمرکز کرده‌اند. در برخی از آثار، نقش مردم در حکومت اسلامی و اصولی مانند شورا، عدالت و ولایت فقیه بررسی شده است. با این حال، تحقیقات اندکی به تحلیل جامع مردم‌سالاری دینی از منظر قرآن با تأکید بر راهبردها، راهکارها، چالش‌ها و موانع پرداخته‌اند. این پژوهش درصدد است تا با تکیه بر آیات قرآن و تحلیل تفاسیر، چارچوبی جامع برای تحقق این نظام ارائه دهد.

روش تحقیق و رویکرد پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در بخش توصیفی، به بررسی مفاهیم مردم‌سالاری دینی در قرآن کریم می‌پردازیم و در بخش تحلیلی، راهبردها، راهکارها و چالش‌های تحقق این نظام، استخراج و

تحلیل می‌شود. داده‌های تحقیق از منابع تفسیری، مطالعات اسلامی و پژوهش‌های علوم سیاسی گردآوری شده و براساس روش تحلیل کیفی محتوا بررسی شده‌اند.

نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران، پژوهشگران و اندیشمندان اسلامی در شناخت بهتر مردم‌سالاری دینی و ارائه راهکارهای عملی برای تحقق آن کمک کند.

مفاهیم

۱. مردم‌سالاری در لغت و اصطلاح: (معین، بی تا، ص ۷۲۲)

در فرهنگ غرب واژه «مردم‌سالاری» برابر است با «حکومت دموکراسی» به معنای «حکومت عامه مردم» معنا شده و از نظر تاریخی به دوران یونان باستان برمی‌گردد. (هلد، ۱۳۸۱ش: ص ۱۴) همچنین در قرن شانزدهم میلادی از طریق زبان فرانسوی به صورت «دموکراتی» وارد ادبیات سیاسی انگلیسی شده است. (همان: ص ۲۱)

در اصطلاح، مراد از مردم‌سالاری «دموکراسی» حکومت به‌وسیله نمایندگان مردم است (هربنای، ۱۳۷۴ش: ذیل کلمه «democracy»)، و در برابر اریستوکراسی، لیگارشسی و موناکی (حکومت به‌وسیله بهترین و شریف‌ترین انسان‌ها، حکومت به‌وسیله گروهی از افراد و حکومت یک فرد) قرار دارد، و بر این آرمان مبتنی است: «تصمیماتی که بر اجتماعی به‌عنوان یک مجموعه اثر می‌گذارد، باید با نظر کلیه افراد آن اجتماع گرفته شود و افراد از حق برابر برای شرکت در تصمیم‌گیری برخوردار باشند» (بتیهام و بویل، ۱۳۷۶ش، ص ۱۷). ارسطو در کتاب سیاست، دموکراسی را عبارت از نوع انحطاط‌یافته و نامطلوب حکومت پولیتی می‌دانست، و آن را به دو قسم تقسیم می‌کرد: دموکراسی مستقیم که رأی‌دهندگان در آن به‌صورت مستقیم در کلیه مسائل سیاسی و اجتماعی و کشوری رأی می‌دهند، و غیرمستقیم که از طریق نمایندگی در مسائل سیاسی و اجتماعی دخالت می‌کنند (گلبایگانی، ۱۳۸۲ش: ص ۶۴).

۲. مردم‌سالاری دینی در اصطلاح

اصطلاح «مردم‌سالاری دینی» از جهت تاریخی به پس از پیروزی نظام انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام در ایران برمی‌گردد، و از گفتمان‌های نو و چالش‌برانگیز در فرهنگ و ادبیات فلسفه سیاسی به شمار می‌رود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تعریف مردم‌سالاری دینی آمده است: «مردم‌سالاری دینی، نظامی سیاسی است که ضمن اعتقاد به حاکمیت مطلق خداوند، حاکمیت ملت را حق خدادادی دانسته، و خود را متکی به مشارکت همه‌جانبه و گسترده مردم در امور عمومی و از طریق انتخابات و همه‌پرسی معرفی می‌کند» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۶ و ۵۶). مردم‌سالاری دینی از منظر آیات قرآن کریم، نظامی مبتنی

بر حاکمیت الهی و مشارکت مردمی است که در آن، اصولی همچون عدالت، شورا، نظارت عمومی و مسئولیت‌پذیری نقش اساسی دارند. این نظام در عین بهره‌گیری از مشارکت مردم، مقید به ارزش‌های الهی است و با دموکراسی غربی که بر اراده مطلق مردم استوار است، تفاوت دارد. شناخت اصول قرآنی مردم‌سالاری دینی از جمله: اصل توحید و حاکمیت الهی، اصل عدالت اجتماعی، اصل شورا و مشارکت عمومی، اصل مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی حاکمان، اصل نفی استبداد و ظلم می‌تواند به تبیین الگوی حکومتی اسلام و رفع چالش‌های پیش روی آن کمک کند.

۳. قرآن کریم در لغت و اصطلاح

«قرآن» از ریشه «قرأ» به معنای خواندن گرفته شده و «کریم» به معنای ارزشمند است. در اصطلاح، قرآن کریم، کتاب مقدس مسلمانان و وحی الهی است که به پیامبر اسلام ﷺ نازل شده و راهنمای زندگی مسلمانان است.

۴. حاکمیت الهی

«حاکمیت» از ریشه «حَكَمَ» به معنای داوری و تسلط بر امور است و در اصطلاح، دلالت بر آن دارد که مشروعیت حکومت از خداوند نشئت گرفته و تمامی قوانین باید مطابق با احکام الهی تنظیم شوند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ج ۱، ص ۵)

۵. شورا در لغت و اصطلاح

شورا از ریشه «شور» گرفته شده و به معنای رایزنی است. در اصل، این واژه به مفهوم استخراج عسل از کندو و ارائه چیزی ارزشمند و پنهان‌شده اشاره دارد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ص ۴۳۴). در زبان فارسی نیز مشورت به معنای هم‌فکری و رای زدن با دیگران آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳ش: ج ۱۲، ص ۱۸۵۲۶-۱۸۵۲۷) و در اصطلاح، مشورت به معنای تبادل نظر در امور، بهره‌گیری از دانش و عقل دیگران، و دریافت نظر متخصصان برای دستیابی به بهترین نتیجه تعریف می‌شود (سامانی، ۱۳۸۷ش: ص ۱۷). از طریق مشورت، رأی صحیح از میان دیدگاه‌های مختلف تشخیص داده شده و انتخاب می‌گردد. همان‌طور که عسل ناب از میان موم استخراج می‌شود، انسان نیز از میان گزینه‌های مختلف، برترین را برمی‌گزیند. (اصفهانی، ۱۴۱۲ش: ص ۴۷۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱۶، ص ۱۳۸). بنابراین، مشورت در تقابل با استبداد رأی قرار دارد و فردی که در موضوعات قابل مشورت، تنها بر نظر خود پافشاری کند، مستبد محسوب می‌شود (کواکبی، ۱۳۷۳ش: ص ۸۳). دانشمندان زبان، مشورت و شورا را مترادف دانسته‌اند (جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۷۰۵). در لغت‌نامه‌های فارسی نیز شورا به معنای مشورت کردن، رای زدن و بررسی مشترک آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳ش: ج ۹، ص ۱۲۸۲۶-۱۲۸۲۷). با این حال، برخی بین این

دو واژه تمایز قائل شده‌اند. آنان معتقدند که مشورت به معنای نظرخواهی از یک یا چند فرد آگاه است؛ اما شورا مفهوم گسترده‌تری دارد؛ زیرا علاوه بر نظرخواهی از افراد آگاه، به معنای مشورت و تصمیم‌گیری جمعی نیز به کار می‌رود (شهریاری، ۱۳۸۵ش: ص ۳۲). در اسلام، شورا به‌عنوان یکی از اصول حکومتی معرفی شده و در قرآن کریم نیز بر آن تأکید شده است: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ ۖ بَيْنَهُمْ﴾ (شورا: ۳۸).

۶. عدالت اجتماعی

«عدالت» از ریشه «عدل»، به معنای برابری و قرار دادن هر چیز در جایگاه شایسته خود است (دامغانی، ۱۳۸۲ش: ص ۲۷). عدالت اجتماعی به توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها در جامعه اشاره دارد و در آموزه‌های اسلامی بر آن تأکید شده است، «عدالت» و «قسط» از کهن‌ترین خواسته‌ها و اساسی‌ترین آرمان‌های بشری به شمار می‌روند. این آرمان‌ها از والاترین ارزش‌هایی هستند که بر اندیشه و زندگی انسان حاکم‌اند. همواره انسان خردمند و آگاه درباره عدالت سخن گفته و برای تحقق آن در جامعه تلاش کرده است. گرایش به عدالت و قسط، عدالت‌خواهی و طلب قسط، برخاسته از سرشت و ذات انسانی است و می‌توان گفت که در تار و پود وجود او تنیده شده است.

انسان دارای شناخت‌ها و گرایش‌های فطری است. در حوزه شناخت، برخی مفاهیم در نهاد و عقل او ریشه دارند و نیازی به آموختن آن‌ها از منبعی خارجی نیست؛ بلکه با تصور آن‌ها، خودبه‌خود به تصدیق می‌رسد؛ مانند این قاعده که کل از اجزا بزرگ‌تر است. در حوزه تمایلات نیز انسان دارای گرایش‌هایی است که در سرشت او جای گرفته‌اند. فطریات انسانی در دو بخش عمده شناخت و گرایش قرار می‌گیرند: در حوزه شناخت، اموری وجود دارند که انسان برای درک آن‌ها نیازی به آموزش و استدلال ندارد، و در حوزه گرایش، تمایلاتی طبیعی در وجود او نهفته است (مطهری، ۱۳۸۰ش: ج ۲۰، ص ۱۸۶).

راهبردهای تحقق مردم‌سالاری دینی از منظر قرآن کریم

تحقق مردم‌سالاری دینی مستلزم رعایت اصول و راهبردهایی است که در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این راهبردها، چارچوبی برای ایجاد یک نظام سیاسی الهی — مردمی فراهم می‌کنند که در آن، مردم نقش فعالی در تعیین سرنوشت خود داشته، اما در چارچوب احکام الهی عمل می‌کنند. در ادامه، چهار راهبرد اساسی در این زمینه بررسی می‌شود:

راهبرد اول: اصل توحید و حاکمیت الهی در سیاست

توحید در نظام سیاسی اسلامی، به این معناست که خداوند منشأ اصلی حاکمیت، تشریح و قانون‌گذاری است. این اصل یکی از اساسی‌ترین راهبردهای مردم‌سالاری دینی به شمار می‌رود؛ زیرا هرگونه حاکمیت بدون

مشروعیت الهی، در چارچوب اسلامی مردود است. قرآن کریم تأکید دارد که خداوند مالک حقیقی و حاکم مطلق بر جهان و جوامع بشری است.

شواهد قرآنی بر این راهبرد

۱. حاکمیت مطلق خداوند: خداوند در سوره یوسف می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾ (یوسف: ۴۰)؛ فرمانروایی و قانون‌گذاری تنها از آن خداوند است. این آیه به‌صراحت بیان می‌کند که هرگونه حاکمیت مشروع، باید برگرفته از اراده و قوانین الهی باشد و هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند بدون استناد به این مشروعیت، حاکمیت کند. مردم‌سالاری دینی نیز مبتنی بر این اصل است که حکومت، در چارچوب قوانین الهی باید اداره شود.

۲. نفی حکومت‌های غیرالهی: خداوند در سوره مائده می‌فرماید: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ (مائده: ۴۴)؛ و کسانی که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند، کافرند. این آیه به‌صراحت تأکید دارد که حکومتی که بر مبنای احکام الهی نباشد، از مشروعیت برخوردار نیست. همچنین در سوره نحل می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...﴾ (نحل: ۳۶)؛ و به‌راستی در میان هر امتی پیامبری فرستادیم که خدا را بپرستید و از طاغوت دوری کنید. براساس این آیه، مردم‌سالاری دینی در چارچوب عبودیت الهی معنا پیدا می‌کند و نشان می‌دهد که حاکمیت مطلق از آن خداوند است. بنابراین، هر نظامی که بخواهد مشروعیت داشته باشد، باید براساس بندگی خدا و نفی طاغوت شکل بگیرد. در مردم‌سالاری دینی، حکومت بر مبنای ارزش‌های الهی، عدالت و نفی سلطه غیرالهی استوار است.

۳. وعده الهی به حاکمیت صالحان: خداوند در سوره نور می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۗ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۗ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ نَبِئْتُكُمْ هُمْ أَفْـَٔسِفُونَ﴾ (نور: ۵۵)؛ خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که آنان را در زمین جانشین (حاکم) گرداند؛ همان‌گونه که پیشینیان را جانشین کرد، و دینی را که برایشان پسندیده است، استوار سازد و ترسشان را به امنیت بدل کند، تا مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند؛ و هرکس پس از آن کفر ورزد، پس آنان فاسق‌اند. براساس این آیه مردم‌سالاری دینی یعنی حکومتی که در آن مردم نقش دارند؛ اما این نقش در چارچوب قوانین الهی معنا پیدا می‌کند. این آیه سه جنبه از مردم‌سالاری دینی را روشن می‌کند:

الف) عبارت ﴿لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ نشان می‌دهد که حکومت، بر دوش شایستگان قرار خواهد گرفت و مردم در تحقق آن نقش دارند. این جانشینی نه براساس اراده یک فرد مستبد، بلکه بر مبنای ایمان، عمل صالح و رضایت مردم از حکومت صالحان شکل می‌گیرد.

ب) عبارت ﴿وَلَيَبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾ نشان می‌دهد که امنیت و استقرار اجتماعی در سایه حکومت دینی معنا پیدا می‌کند، و حکومتی که با پایبندی به دین الهی و همراهی مردم مؤمن شکل گیرد، باعث ایجاد عدالت، امنیت و آرامش در جامعه خواهد شد. این مطلب یکی از اصول اصلی مردم‌سالاری دینی است که برخلاف دیکتاتوری‌ها، امنیت را با پایبندی به ارزش‌های الهی محقق می‌کند.

ج) عبارت ﴿وَلَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ﴾ تأکید می‌کند که خداوند دین را برای خود مردم تمکین و استوار می‌کند (لَهُمْ)؛ به این معنا که مردم در نظام سیاسی، نقش و مشارکت مؤثری دارند و تنها یک فرد خاص نمی‌تواند حاکم مطلق باشد؛ اما این مشارکت، در چارچوب توحید و اطاعت از خداوند معنا پیدا می‌کند، نه در هرج‌ومرج و استبداد فردی یا گروهی.

بنابراین، تفاوت مردم‌سالاری دینی با دموکراسی سکولار براساس آیه ۵۵ سوره نور به شرح ذیل می‌باشد:

ویژگی	مردم‌سالاری دینی (براساس این آیه)	دموکراسی سکولار
منشأ حاکمیت	خداوند (حاکمیت الهی)	اراده مردم بدون ارتباط با دین
مبنای مشروعیت حکومت	ایمان و عمل صالح، عدالت	رای اکثریت (حتی اگر خلاف اخلاق و عدالت باشد)
هدف حکومت	اقامه توحید، عدالت و امنیت	تأمین منافع اکثریت (بدون الزام به اخلاق یا دین)
نقش مردم	انتخاب شایستگان در چارچوب دین	انتخاب هر فرد، صرف‌نظر از معیارهای دینی
ماهیت قوانین	مبتنی بر وحی الهی و عدالت اسلامی	قوانین بشری که ممکن است تغییر یابد و ناعادلانه باشد

این مقایسه نشان می‌دهد که این آیه، الگویی از مردم‌سالاری را ارائه می‌دهد که در آن، هم نقش مردم محترم شمرده شده و هم قوانین الهی به‌عنوان چارچوب عمل حفظ می‌شود.

راهبرد دوم: نقش مردم در تصمیم‌گیری‌ها

در آموزه‌های قرآنی، مشارکت مردم در حکومت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی-اجتماعی، یکی از راهبردهای اساسی مردم‌سالاری دینی شناخته شده است که قرآن کریم با تأکید بر نقش مردم در دو آیه ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ ۖ بَيْنَهُمْ﴾ (شوری: ۳۸) و ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ (آل عمران: ۱۵۹) راهبرد شورا را مطرح کرده است. این راهبرد بیانگر آن است که در نظام اسلامی، تصمیمات مهم سیاسی و اجتماعی باید از طریق مشورت و همفکری با مردم و دخالت آن‌ها اتخاذ شود. بنابراین، مفهوم مردم‌سالاری دینی ترکیبی از حاکمیت الهی و نقش مردم در تعیین سرنوشت خود است. این دو آیه نشان می‌دهند که:

۱. مشارکت و دخالت مردم در حکمرانی، حق مشروع آنان و از ارکان اساسی مردم‌سالاری دینی است. حکومت نباید استبدادی باشد؛ بلکه باید با همراهی و نقش‌آفرینی مردم اداره شود. آیه ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ ۖ بَيْنَهُمْ﴾ بر ضرورت مشورت دائمی در امور اجتماعی و سیاسی تأکید دارد و نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری‌ها باید با مشارکت مردم انجام شود.

۲. آیه ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ نشان می‌دهد که مشورت در امور حکومتی امری اساسی است؛ اما در نهایت تصمیم‌گیری نهایی بر عهده رهبر جامعه قرار دارد که با توکل بر خدا عمل می‌کند. این اصل با مفهوم ولایت فقیه در مردم‌سالاری دینی همخوانی دارد؛ چرا که ولی فقیه ضمن توجه به نظرات کارشناسان و مردم، تصمیم نهایی را براساس معیارهای الهی و مصالح جامعه اتخاذ می‌کند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز شواهد زیادی برای این موضوع وجود دارد. اصل مشورت در امور حکومتی و تصمیم‌گیری نهایی توسط ولی فقیه، در آیه ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ بیان شده است، و در بخش‌های مختلف قانون اساسی، به‌ویژه در زمینه ولایت فقیه و نقش مشورتی نهادهای قانونی، به‌طور روشن انعکاس یافته است، از جمله:

۱-۲. اصل ۵۷: این اصل تأکید دارد که قوای سه‌گانه کشور (مقننه، مجریه و قضائیه) تحت نظارت ولایت مطلقه فقیه عمل می‌کنند. این نظارت به معنای هماهنگی تصمیم‌گیری‌های کلان با معیارهای الهی و مصالح جامعه است.

۲-۲. اصل ۱۱۰: این اصل وظایف و اختیارات رهبر جمهوری اسلامی ایران را مشخص کرده است. برخی از این وظایف عبارت‌اند از:

الف) تعیین سیاست‌های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

ب) نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام؛

ج) حل معضلات نظام از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.

بنابراین، این اصل نشان می‌دهد که مشورت با نهادهای مشورتی و کارشناسی یک الزام قانونی است؛ اما تصمیم‌گیری نهایی بر عهده ولی فقیه (رهبر جامعه) است.

۲-۳. اصل ۱۰۷: رهبر از میان فقیهان واجد شرایط و از طریق مجلس خبرگان انتخاب می‌شود. این اصل بر نقش نظرات کارشناسی و مردمی در انتخاب ولی فقیه تأکید دارد؛ اما در نهایت تصمیم‌گیری‌های کلان براساس معیارهای دینی و مصالح عمومی انجام می‌شود.

۲-۴. اصل ۵ و ۵۶: این اصول تصریح می‌کنند که حاکمیت از آن خداست و در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت به فقیه عادل و آگاه به زمان سپرده می‌شود.

۲-۵. اصل ۹۹: شورای نگهبان نظارت بر انتخابات و تطبیق مصوبات مجلس با احکام اسلام و قانون اساسی را بر عهده دارد. این امر نیز نشان می‌دهد که مشورت و نقش مردم در حکومت اسلامی مهم است؛ اما در نهایت باید در چارچوب ارزش‌های الهی باشد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۷ش، ذیل اصل ۹۹).

راهبرد سوم: عدالت اجتماعی و رعایت حقوق مردم در حکومت دینی:

عدالت یکی از اصول اساسی حکومت دینی است که قرآن کریم بر آن تأکید فراوانی داشته است. مردم‌سالاری دینی تنها در صورتی محقق می‌شود که حاکمان عدالت را برقرار کرده و حقوق مردم را محترم بشمارند. آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا لِلْأَمَلَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (نساء: ۵۸) در کنار تأکید بر عدالت، بر اهمیت امانت‌داری نیز اشاره می‌کند. بنابراین در حکومت دینی، رعایت حقوق مردم به‌عنوان امانت‌های الهی و قضاوت عادلانه، جزء اصول اساسی است، و عدالت اجتماعی نه‌تنها یک ارزش اخلاقی، بلکه یک راهبرد الهی برای تحقق حکومت دینی است، و بدون اجرای عدالت، مردم‌سالاری دینی نمی‌تواند به‌درستی پیاده شود.

برای نشان دادن اهمیت عدالت اجتماعی و تحقق حکومت دینی از دیدگاه قرآن، می‌توان به آیات مختلفی اشاره کرد که بر اجرای عدالت به‌عنوان یک اصل بنیادین تأکید دارند. در اینجا برخی از شواهد قرآنی ذکر می‌شود:

۱. آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (مائده: ۸) به مسلمانان دستور می‌دهد که در تمام امور عدالت را رعایت کنند؛ حتی اگر با دیگران دشمنی یا خصومتی داشته باشند. این نشانه‌ای از اهمیت اجرای عدالت در حکومت دینی است.

۲. آیه ﴿وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَإِنْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۖ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا...﴾ (حشر: ۵۸) تأکید می‌کند که حتی در صورت تعلق یا نزدیک بودن به فرد، عدالت باید رعایت شود. این امر نشان می‌دهد که در حکومت دینی، عدالت باید برای همه یکسان و بدون تبعیض اجرا گردد.

راهبرد چهارم: مسئولیت‌پذیری حاکمان و نظارت عمومی

در مردم‌سالاری دینی، حاکمان مسئول اعمال خود در برابر خداوند و مردم هستند و باید پاسخ‌گوی عملکرد خود باشند. نظارت عمومی بر حکومت، یکی از راهکارهای جلوگیری از فساد و استبداد است. مسئولیت‌پذیری حاکمان و نظارت عمومی مردم بر حاکمان، از جمله اصول بنیادین در تحقق مردم‌سالاری دینی است. قرآن کریم به‌وضوح بر این دو نکته تأکید دارد و بر لزوم پاسخ‌گویی حاکمان در برابر خداوند و مردم تأکید می‌کند. در ادامه، برخی از شواهد قرآنی در این خصوص آورده شده است:

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (انفال: ۲۷) دایره امانات براساس این آیه بسیار گسترده است و شامل امانات دینی، اجتماعی، سیاسی، مالی و اخلاقی می‌شود. این آیه بر لزوم حفظ تمامی این امانات تأکید دارد و مسلمانان را به رعایت امانت‌داری در همه ابعاد زندگی فرامی‌خواند. در زمینه حکومت و سیاست، مسئولیت‌های حاکمان به‌عنوان امانت‌های عمومی مطرح می‌شود. هر حاکم و مقامی که مسئولیت اداره جامعه را بر عهده می‌گیرد، باید این مسئولیت‌ها را با عدالت و صداقت انجام دهد. امانت‌ها در ارتباطات اجتماعی و رفتارهای فردی نیز مطرح هستند.

۲. ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (اسراء: ۳۴) براساس این آیه، وفای به عهد شامل صداقت در گفتار و عمل، و رعایت حقوق دیگران می‌شود که وعده‌های سیاسی و انتخاباتی حاکمان سیاسی و مسئولان اجتماعی، از مصادیق آن است. بنابراین در این زمینه، هر فردی از افراد جامعه باید امانات اجتماعی خود را در برابر افراد جامعه حفظ کند.

در منظومه فکری امام علی علیه السلام، نظارت در حکومت مردم‌سالاری دینی دارای سطوح و مراتب متعددی است، و به‌عنوان یکی از سازوکارهای عادلانه و مؤثر برای تأمین توزیع منابع اقتصادی و حفظ حقوق مردم از تجاوز و مصادره حقوق شهروندان به شمار می‌رود و یکی از ابزارهای مبارزه با مفاسد اداری با همه مؤلفه‌های آن است. در ادامه به‌اختصار به انواع آن اشاره می‌شود.

سطوح و مراتب نظارت

۱. خودنظارتی (نظارت درونی و وجدانی)

خودنظارتی به‌عنوان فرایندی است که یک مسلمان، نظارت خدای متعال بر خود و کلمات و اعمال ناشی از آن را حس می‌کند. در قرآن کریم، بسیاری از آیات وجود دارد که به توسعه نظارت ذاتی در افراد مسلمان توسط آموزش و تربیت و یادآوری نعمت‌های الهی توصیه می‌کند. از جمله آن آیات، این دو آیه است: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (نساء: ۱) و ﴿بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ﴾ (القیامه: ۱۴) و طبیعی است که نظارت درونی دقیق‌تر و مؤثرتر از نظارتی بیرون است؛ زیرا انسان به خود دلسوزتر است و از روی عشق به خود و علاقه به حفظ خود و دور نگهداشتن خود از منشأ ضرر، گرفتاری، بدبختی و تباهی اقدام می‌کند و همچنین مشتاق‌ترین مردم به سود بردن برای خود است و وصول به آنچه که آرزو می‌کند (حر عاملی، ۱۰۳۳ق: ص ۱۶). امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر رشد خویشنداری از طریق تحریک وجدان و تمرکز بر خوف از خداوند متعال و تلاش برای رسیدن به رضای او تأکید کرده است (شریف رضی، ۱۳۸۰: ص ۴۱۶). در جای دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «محبوب‌ترین یادگار نزد تو یادگار نیکی باشد، پس بر هوس خود مسلط باش و از آنچه بر تو روا نیست دوری کن (عبده، ۲۰۰۸م: ص ۴۱۷).

۲. نظارت حکومتی

کتاب تاریخ مملو از متون فراوانی است که سیره امیرالمؤمنین علیه السلام در حکومت خود، اعمال نظارت بر اعمال کارگزاران و عدم اکتفا به خوش‌بینی و اعتماد بر افراد بوده است؛ زیرا نفس انسان ضعیف است و ممکن است دست‌ها به سرقت از دارایی‌های مسلمانان و بیت‌المال دراز شود. در این زمینه، در عهد امام علی علیه السلام به مالک اشتر آمده است: «ثُمَّ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ، وَأَبْعَثُ الْعُيُونََ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السَّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدُودٌ لَهُمْ عَلَىٰ اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ، وَتَحَقُّقُ مِنَ الْأَعْوَانِ، فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَىٰ خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا، فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ، وَأَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ، ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ، وَوَسَّمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ، وَقَلَّدْتَهُ عَارَ التُّهْمَةِ» (عبده، ۲۰۰۸: ص ۴۲۵)؛ پس در کارهایشان تفقد کن و کاوش نمای و جاسوسانی از مردم راستگوی و وفادار به خود بر آنان بگمار؛ زیرا مراقبت نهانی تو در کارهایشان، آنان را به رعایت املنت و مدارا در حق رعیت وامی‌دارد و بنگر تا یاران کارگزارانت تو را به خیانت نیالایند. هرگاه یکی از ایشان دست به خیانت گشود و اخبار جاسوسان در نزد تو به خیانت او گرد آمد و همه بدان گواهی دادند، همین خبرها تو را بس است. باید به سبب خیانتی که کرده، تنش را به تنبیه بیازاری و از کاری که کرده است، بازخواست نمایی. سپس، خوار و ذلیلش سازی و مهر خیانت بر او زنی و ننگ تهمت را بر گردنش آویزی.

۳. نظارت مردمی

نوع دیگری از نظارت، نظارت عامه مردم است؛ به این معنی که مردم در نظارت بر استانداران و کارمندان و کارگزاران و دولتمردان مشارکت می‌کنند، و آن را حق شهروندی خود می‌دانند، و عملکرد استانداران را ارزیابی می‌کنند و بر رفتار آن‌ها نظارت می‌کنند. همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام مردم را تشویق کرده و آموزش داده تا در برابر حقوق خود و تخلفات کارگزاران سکوت نکنند و فرمود:

«وَلَا تُخَالِطُونِي بِالْمُصَانِعِ، وَلَا تَطْنُوا بِي اسْتِثْقَالًا فِي حَقِّ قِيلَ لِي، وَلَا التَّمَّاسَ إِعْظَامَ لِنَفْسِي، فَإِنَّهُ مَنْ اسْتَثْقَلَ الْحَقَّ أَنْ يَقَالَ لَهُ، أَوِ الْعَدْلَ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ كَانَ الْعَمَلُ بِهِمَا أَثْقَلَ عَلَيْهِ، فَلَا تَكْفُوا عَنِ مَقَالَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَلٍ» (همان: ص ۳۲۹).

نظارتی که امیرالمؤمنین علیه السلام بر کارمندان به وجود آورد و انتقال اخبار آن‌ها، با دقت و انضباط انجام می‌شد و امور از آن حضرت مخفی نمی‌ماند. بنابراین، یکی از مهم‌ترین راه‌های مشارکت سیاسی، ارزیابی و نظارت مردم بر حکومت‌ها و عملکرد آن‌هاست.

راهکارهای عملی تحقق مردم‌سالاری دینی از منظر قرآن کریم

در ادامه، به تشریح راهکارهای عملی تحقق مردم‌سالاری دینی از منظر قرآن کریم می‌پردازیم. این راهکارها نه تنها بر پایه مفاهیم قرآنی و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استوارند؛ بلکه با رویکردی جامع در جهت ایجاد ساختاری منسجم و عدالت‌محور در حکومت دینی تدوین شده‌اند:

۱. قانون‌گذاری بر مبنای قرآن و سنت

در نظام سیاسی - اجتماعی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، قانون‌گذاری باید از منابع اصلی اسلام، یعنی قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ناشی شود. هدف از این تقنین، ایجاد چارچوبی قانونی است که همسو با دستورات الهی بوده و حقوق و مسئولیت‌های فردی و جمعی منصفانه تنظیم گردد. در آیه شریفه ﴿إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ﴾ (انعام: ۵۷) تأکید شده است که حاکمیت و قانون‌گذاری تنها از جانب خداوند است؛ بنابراین، هر قانون‌گذاری در نظام مردم‌سالاری دینی باید بازتاب‌دهنده احکام الهی و ارزش‌های اسلامی باشد، و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم راهنمای عملی برای تفسیر و اجرای احکام قرآنی است. اصول اخلاقی، عدالت و مسئولیت‌پذیری که در روایات و سیره پیامبر آمده است، باید در فرآیند قانون‌گذاری قوانین به‌عنوان معیاری برای سنجش عدالت اجتماعی و اجرایی شدن امانات الهی مد نظر قرار گیرد.

۲. ایجاد شفافیت و پاسخ‌گویی در حکمرانی دینی

شفافیت و پاسخ‌گویی دو عنصر اساسی در جلوگیری از فساد و استبداد در هر نظام حکومتی به شمار می‌آیند. در حکومت مردم‌سالاری دینی، این دو از منظر قرآنی و سنت نبوی اهمیت ویژه‌ای دارند؛ چرا که

حاکمان باید در برابر خداوند و مردم پاسخ‌گو باشند. با استفاده از آیات و تعالیم قرآنی مانند ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ (توبه: ۱۰۵)، بر نظارت الهی و جمعی بر عملکرد مسئولان تأکید می‌شود. این آیه نشان می‌دهد که اعمال حاکمان همواره تحت نظر خداوند، پیامبر و مؤمنان قرار دارد، و مسئولیت‌پذیری حاکمان، همان‌گونه که در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ﴾ (انفال: ۲۷) آمده، الزام‌آور است. نظارت عمومی، برقراری سیستم‌های نظارت داخلی و ایجاد نهادهایی برای بررسی عملکرد حاکمان، از جمله راهکارهای عملی در این راستاست.

۳. ارتقای مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی

مشارکت عمومی یکی از ارکان اساسی مردم‌سالاری دینی است که نقش مؤثری در تقویت حاکمیت، افزایش مشروعیت نظام و تحقق عدالت اجتماعی دارد. در مردم‌سالاری دینی، مشارکت مردم نه تنها یک حق، بلکه یک تکلیف شرعی، اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود. قرآن کریم با تأکید بر مفاهیمی مانند شورا، امر به معروف و نهی از منکر، عدالت و مسئولیت‌پذیری، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی را ضروری می‌داند. بنابراین، ارتقای مشارکت عمومی در مردم‌سالاری دینی، نیازمند فراهم‌سازی زمینه‌های آموزش، شفافیت، عدالت، پاسخ‌گویی و نظارت عمومی است. با اجرای راهکارهای مذکور و رفع چالش‌های موجود، می‌توان جامعه‌ای فعال و مسئولیت‌پذیر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی ایجاد کرد که این امر موجب تقویت بنیان‌های مردم‌سالاری دینی خواهد شد.

راهکارهای عملی ارتقای مشارکت عمومی

۱. ایجاد شوراهای مردمی در سطوح مختلف جامعه که بتوانند نظرات و خواسته‌های مردم را به مقامات بالاتر منتقل کنند.
۲. برگزاری مناظرات و هم‌اندیشی‌های عمومی با حضور نمایندگان جامعه، روشنفکران دینی و متخصصان در زمینه‌های مختلف.
۳. استفاده از ابزارهای دیجیتال جهت جمع‌آوری نظرات عمومی و مشارکت فعال شهروندان در طرح‌ریزی‌های ملی و محلی.
۴. بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی برای تقویت مشارکت مردم در مناسبات ملی و بین‌المللی، از قبیل:
الف) ایجاد پلتفرم‌های آنلاین برای برگزاری مشورت‌های مردمی و گردآوری نظرات، ایده‌ها و انتقادات سازنده از سوی جامعه؛

ب) استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای اطلاع‌رسانی به‌موقع و شفاف در مورد تصمیمات و عملکرد نهادهای حکومتی؛

ج) ترویج فرهنگ دیجیتال در میان جوانان و فعالان جامعه به‌منظور افزایش تعامل مستقیم بین مردم و نمایندگان منتخب و مسئولان دینی.

۴. تربیت نخبگان دینی و متخصص در مدیریت جامعه

در نظام مردم‌سالاری دینی، نخبگان دینی و متخصصان نقش کلیدی در هدایت جامعه، اجرای احکام اسلامی و تحقق عدالت اجتماعی ایفا می‌کنند. این نخبگان، با بهره‌گیری از علوم دینی و تخصص‌های روزآمد، می‌توانند مدیریت کارآمد و مبتنی بر ارزش‌های الهی را تضمین کنند. قرآن کریم و آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام نیز بر لزوم وجود مدیران شایسته و آگاه در جامعه تأکید دارند. در سوره یوسف آمده است: ﴿قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ۗ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾ (یوسف: ۵۵). طبق این آیه، در تربیت نخبگان دینی و متخصص، باید این دو ویژگی اساسی، مورد توجه سیاست‌گذاران حکومت دینی قرار گیرد تا مدیرانی امین، توانمند و آگاه پرورش یابند؛ بنابراین:

۴-۱. کارگزاران حکومت دینی باید «تعهد و تقوا (حفیظ بودن)» داشته باشند.

۴-۲. کارگزاران حکومت دینی باید اهل «دانش و تخصص (علیم بودن)» در حوزه کاری خود باشند.

۴-۳. یعنی کارگزاران حکومت دینی با اعتماد به‌تولنایی خود، مسئولیت مدیریت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه را طلب کنند (شایسته‌سالاری).

۴-۴. نخبگان دینی متخصص و متعهد نباید از ورود به عرصه مدیریت جامعه هراس داشته باشند؛ بلکه باید با احساس مسئولیت، برای اصلاح امور جامعه پیش‌قدم شوند.

۴-۵. نظام آموزشی و تربیتی در مردم‌سالاری دینی باید افرادی را پرورش دهد که نه تنها دارای دانش و تعهد باشند، بلکه مسئولیت‌پذیری و شجاعت پذیرش نقش‌های مدیریتی را نیز داشته باشند.

۴-۶. نظام مردم‌سالاری دینی باید به‌گونه‌ای از کارگزاران خود حمایت و نظارت کند که هیچ زمینه‌ای برای خیانت یا کم‌کاری در ذهن آن‌ها شکل نگیرد. امام علی علیه‌السلام در عهدنامه خود به مالک اشتر در این‌باره می‌گوید: «ثم تفقد أعمالهم، وابعث العيون من أهل الصدق والوفاء عليهم، فإن تعاهدك في السرّ لأموهم حدودهم (حثّ لهم) على استعمال الأمانة، والرفق بالرعيّة وتحفّظ من الأعيان، فإن أحد منهم بسط يده إلى خيلنة اجتمعت بها عليه عندك عيونك واكتفيت بذلك شاهد، فبسطت عليه العقوبة في بدنه وأخذته بما أصاب من

عمله، ثمّ نصبته بمقام الدلّة، ووسمته بالخيانة وقلّده عار التهمّة» (عبده، ۲۰۰۸م: ص ۴۲۳)؛ سپس در امور کارمندان بیندیش، و پس از آزمایش، به کارشان بگمار، و با میل شخصی، و بدون مشورت با دیگران، آنان را به کارهای مختلف وادار نکن؛ زیرا نوعی ستمگری و خیلنت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا، از خاندان‌های پاکیزه و باتقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان گرمی‌تر، و آبرویشان محفوظ‌تر، و طمع‌ورزی‌شان کمتر، و آینده‌نگری آنان بیشتر است. سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند، و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند، و تمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند. سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو و وفایپیشه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن، و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او بازپس گیر، سپس او را خوار دار، و خیانتکار بشمار، و طوق بدنامی به گردنش بیفکن.

چالش‌ها و موانع تحقق مردم‌سالاری دینی

مسیر تحقق مردم‌سالاری دینی از منظر قرآن کریم همواره با چالش‌ها و موانعی متنوع همراه بوده است. این موانع در ابعاد فکری، ارزشی، فرهنگی — اجتماعی و ساختاری-اجرایی ظهور می‌کنند و بر دستیابی به یک نظام حکومتی عادلانه و منصفانه، که در آن مشارکت مردمی در کنار ارزش‌های الهی جا داشته باشد، مانع جدی به شمار می‌آیند. در ادامه به بررسی برخی از چالش‌ها و موانع تحقق مردم‌سالاری دینی از منظر قرآن کریم می‌پردازیم:

۱. چالش فکری

یکی از مهم‌ترین موانع و چالش‌های تحقق مردم‌سالاری دینی، قرلنت‌های نادرست و برداشت‌ها و تفسیرهای انحرافی از آیات و مفاهیم قرآنی است. برای مثال، آیه ﴿وَأْمُرُهُمْ سُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ (شوری: ۳۸) به طور صحیح نشان‌دهنده ضرورت مشورت و مشارکت همه‌جانبه در امور جامعه است؛ اما در برخی موارد، این آیه به‌گونه‌ای تفسیر می‌شود که تنها به گروه‌های خاص یا نخبگان دینی اجازه تصمیم‌گیری می‌دهد. چنین برداشت‌هایی می‌تواند موجب تمرکز قدرت و از بین رفتن اصل مشارکت مردمی گردد. همچنین سوءاستفاده از مفاهیم دینی برای توجیه تصمیمات انحصاری یا ناعادلانه، اصل و روح مردم‌سالاری دینی را تضعیف می‌کند.

برای رفع این چالش می‌توان با اقدامات زیر به رفع این مشکل پرداخت:

۱-۱. ترویج آموزش صحیح و علمی: برگزاری دوره‌ها، کارگاه‌ها و سمینارهایی که در آن روش‌های صحیح تفسیر قرآن و بررسی اجماع علما مورد تأکید قرار گیرد، می‌تواند زمینه اصلاح برداشت‌های انحرافی را فراهم آورد. این آموزش‌ها باید بر اهمیت مشارکت و مشورت (شُورَى) تأکید داشته باشد تا فهم جامع و همه‌جانبه از مفاهیم دینی به عموم انتقال یابد. آیه ۲۴ سوره محمد به این مطلب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ﴾ (محمد: ۲۴)؛ چراکه دعوت به تأمل و تدبر در قرآن، کلیدی برای کسب تفسیر صحیح و پرهیز از برداشت‌های سطحی یا نادرست است.

۱-۲. تبیین و ترویج برداشت‌های صحیح: تهیه و انتشار کتب، مقالات و منابع علمی معتبر که برداشت‌های صحیح از آیات کلیدی مانند ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ را به تفصیل تشریح کنند، می‌تواند به روشن شدن اصل مشورت و مشارکت در میان افراد جامعه کمک کند. استفاده از رسانه‌های نوین و فضای مجازی برای ترویج این برداشت‌های صحیح نیز از راهکارهای مؤثر است.

۱-۳. تقویت نقش نخبگان دینی مسئول و پاسخ‌گو: نخبگان و علما می‌توانند با اتخاذ رویکردی شفاف و جامع، از تفسیرهای انحصاری جلوگیری کرده و به تبیین مفهوم واقعی مشورت و مشارکت بپردازند. ایجاد نهادها و شوراهای علمی که بر نظارت و ارزیابی تفسیرها نظارت داشته باشند، می‌تواند از تمرکز قدرت در دست گروه‌های خاص جلوگیری کند.

۱-۴. تشویق به گفتگوی عمومی و بین‌رشته‌ای: ایجاد بسترهایی برای گفتگوی آزاد میان علما، کارشناسان دینی و جامعه مدنی، می‌تواند منجر به تبادل نظر سازنده و روشن شدن مفاهیم دینی شود. این گفتگوها باید به‌گونه‌ای هدایت شوند که برداشت‌های منحصربه‌فرد اصلاح شده و برداشت‌های جامع‌تر و همگن‌تر جایگزین آن‌ها گردد. همان‌طور که در آیه ﴿أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ﴾ (محمد: ۲۴) آمده است، تأمل و تبادل نظر در میان افراد جامعه می‌تواند موجب شکل‌گیری برداشت‌های جامع و متوازن از آیات الهی گردد.

۲. چالش تضاد میان ارزش‌های اسلامی و جریان‌های سکولار

تضاد میان ارزش‌های اسلامی و جریان‌های سکولار، یکی از چالش‌های اساسی است. ارزش‌های اسلامی مانند عدالت، مسئولیت‌پذیری و مشارکت، در مقابل ارزش‌های فردگرایانه و خودمحور جریان‌های سکولار قرار می‌گیرند. این تضاد می‌تواند موجب سردرگمی در پذیرش حاکمیت دینی شود و مشروعیت نظام‌های مبتنی بر ارزش‌های الهی را زیر سؤال ببرد.

چالش تضاد میان ارزش‌های اسلامی و جریان‌های سکولار از منظر قرآن کریم با اتخاذ رویکردی جامع و تطبیقی قابل حل است. قرآن کریم در محورهای مختلفی همچون عدالت، مشورت، همکاری اجتماعی و هدف

نهایی زندگی که عبادت خداوند است، مبانی ارزشمندی ارائه می‌دهد که می‌توانند راهگشای همگام‌سازی ارزش‌های دینی با نیازهای جامعه معاصر باشند.

در ادامه به پنج محور کلیدی برای حل این چالش اشاره می‌کنیم:

۲-۱. ترویج علم و تدبر در قرآن: قرآن با آیه‌هایی مانند ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ﴾ (محمد: ۲۴) به تأمل و تدبر دعوت می‌کند. این امر موجب می‌شود تا برداشت‌های انحرافی اصلاح شده و مفاهیم به طور جامع و چندبعدی بررسی شوند. با افزایش آگاهی و دانش دینی، می‌توان ارزش‌های اسلامی همچون عدالت، مشارکت و مسئولیت‌پذیری را به شیوه‌ای صحیح و همگام با تحولات مدرن تبیین نمود.

۲-۲. تبیین صحیح ارزش‌های اسلامی: ارزش‌هایی نظیر عدالت و مسئولیت‌پذیری، در آیات قرآنی به وضوح مطرح شده‌اند. برای مثال، آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (نحل: ۹۰) نشان‌دهنده اهمیت عدالت و نیکوکاری است. تبیین صحیح این ارزش‌ها در قالب تفاسیر جامع می‌تواند باعث شود تا اصول اسلامی نه تنها در بین مؤمنان، بلکه در میان افرادی که از جریان‌های سکولار تأثیر گرفته‌اند، مورد احترام و پذیرش قرار گیرد.

۲-۳. تلفیق اصول مدرن با ارزش‌های اسلامی: قرآن مبانی اخلاقی و اجتماعی را به گونه‌ای مطرح می‌کند که می‌توان آن‌ها را با اصول مدرن مانند حقوق بشر و دموکراسی تطبیق داد. برای مثال، آیه ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ ۖ بَيْنَهُمْ﴾ (شوری: ۳۸) بر اهمیت مشورت و مشارکت جمعی تأکید دارد؛ امری که می‌تواند با اصول دموکراسی مشارکتی همخوانی داشته باشد. به این ترتیب، با طراحی چارچوب‌های قانونی و نهادی که هم از آموزه‌های الهی و هم از نیازهای معاصر بهره‌مند باشند، پل ارتباطی بین ارزش‌های اسلامی و جریان‌های سکولار ایجاد می‌شود.

۲-۴. ترویج همکاری و همبستگی اجتماعی: آیه ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۗ﴾ (مائده: ۲) بر اهمیت همکاری در راستای نیکی و تقوا تأکید دارد. ایجاد فضای گفتگوی آزاد و بین‌رشته‌ای میان نمایندگان دینی و افراد متفکر از جریان‌های سکولار می‌تواند زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز و تعامل سازنده را فراهم آورد. این همکاری به همگام‌سازی ارزش‌های دینی با تحولات فرهنگی و اجتماعی معاصر کمک خواهد کرد.

۲-۵. ارجاع به هدف نهایی زندگی: آیه ﴿مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ﴾ (بینه: ۵) یادآور می‌شود که تمامی فعالیت‌ها و ارزش‌ها باید در نهایت به عبادت خداوند منتهی شوند. این نگرش می‌تواند چارچوبی برای هم‌گرایی ارزش‌های دینی و انسانی ایجاد کند؛ زیرا وقتی هدف نهایی همه انسان‌ها بر پایه ارزش‌های الهی تنظیم شود، تضاد میان نگرش‌های فردگرایانه و ارزش‌های جمعی کاهش می‌یابد.

۳. چالش فرهنگی و اجتماعی در پذیرش حاکمیت دینی

موانع فرهنگی و اجتماعی ناشی از تجربیات تاریخی، تأثیرات مدرن‌سازی و مقاومت در برابر تغییر، زمینه پذیرش یک نظام حکومتی مبتنی بر شریعت را دشوار می‌سازد. در کنار این چالش‌ها، برخی از مشکلات ساختاری و اجرایی در کشورهای اسلامی، عبارت‌اند از:

۱-۳. ضعف نهادهای نظارتی: بسیاری از کشورها فاقد ساختارهای مدیریتی و نظارتی قوی هستند که بتوانند عملکرد حاکمان را به‌طور شفاف و پاسخگو کنترل کنند.

۲-۳. فساد اداری و عدم شفافیت: فساد و عدم شفافیت در اجرای قوانین و سیاست‌ها، مانع اصلی تحقق عدالت و مشارکت مردمی است.

۳-۳. محدودیت‌های اجرایی: ساختارهای حکومتی و نهادی در بسیاری از کشورها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که قادر به اجرای مؤثر اصول مردم‌سالاری دینی (از جمله نظارت عمومی و پاسخ‌گویی) نیستند، که این موضوع موجب کاهش اعتماد عمومی به نظام حکومتی می‌شود.

۴-۳. تبعیت از نظام‌های سیاسی سکولار و لیبرال غربی و عدم وفاداری به ملت و فرهنگ و تمدن اسلامی توسط برخی شخصیت‌های سیاسی حاکم در کشورهای اسلامی و سازش بیش از حد با قدرت‌های استعماری و استکباری به دلیل حفظ موقعیت اجتماعی و سیاسی فرد یا گروه خاصی.

نتیجه‌گیری

۱. مردم‌سالاری دینی از منظر قرآن کریم، نظامی مبتنی بر حاکمیت الهی و مشارکت مردمی است که در آن، اصولی همچون عدالت، شورا، نظارت عمومی و مسئولیت‌پذیری نقش اساسی دارند. این نظام در عین بهره‌گیری از مشارکت مردم، مقید به ارزش‌های الهی است و با دموکراسی غربی که بر اراده مطلق مردم استوار است، تفاوت دارد. شناخت مبانی قرآنی مردم‌سالاری دینی می‌تواند به تبیین الگوی حکومتی اسلام و رفع چالش‌های پیش روی آن کمک کند.

۲. تحقق مردم‌سالاری دینی براساس قرآن، مستلزم رعایت راهبردهایی همچون توحید و حاکمیت الهی، مشورت و مشارکت مردم، عدالت اجتماعی، نظارت عمومی و انتخاب رهبران باتقواست. اجرای این راهبردها، زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای است که در آن، مردم در چارچوب ارزش‌های الهی، از حقوق سیاسی خود بهره‌مند شده و نظام اسلامی به عدالت و پیشرفت دست یابد.

۳. راهکارهای عملی تحقق مردم‌سالاری دینی از منظر قرآن کریم، با تکیه بر تقنین و قانون‌گذاری بر مبنای منابع الهی، ایجاد ساختارهای شفاف و پاسخ‌گو، تشویق به مشارکت عمومی، تربیت نخبگان دینی و استفاده از فناوری‌های نوین، می‌تواند زمینه‌ساز یک حکومت عادلانه، منصفانه و مشارکتی باشند. این رویکرد نه تنها با اصول و ارزش‌های قرآنی همسوست، بلکه نیازهای جامعه معاصر در جهت ارتقای عدالت، شفافیت و مشارکت فعال را به‌خوبی پوشش می‌دهد.

۴. رفع چالش‌ها در مقابل مردم‌سالاری دینی مستلزم اصلاح برداشت‌های نادرست از مفاهیم دینی و ایجاد توازن میان ارزش‌های اسلامی و جریان‌های مدرن است. تقویت نهادهای نظارتی و شفاف‌سازی ساختارهای اجرایی در کشورهای اسلامی، از دیگر الزامات ضروری برای تحقق یک مردم‌سالاری دینی بر مبنای قرآن کریم به‌شمار می‌آید. در نهایت، این اقدامات می‌توانند زمینه‌های تحول اساسی در ساختارهای حکومتی و اجتماعی را فراهم آورند و افق‌های نوینی در مسیر تحقق عدالت، مشارکت و حاکمیت مردم‌سالاری دینی بگشایند.

فهرست منابع

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، تحقیق: جمال‌الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت، دارالفکر - دار صادر.

بیتهم، دیوید و کوین بویل (۱۳۷۶ش). دموکراسی چیست؟، ترجمه: شهرام نقش تبریزی، تهران، انتشارات قنقوس.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش). تسنیم، تحقیق: عبدالکریم عابدینی، چاپ دوم، قم، اسراء.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۴۰۷ق). الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، چاپ چهارم، بیروت، دار العلم للملایین.

دامغانی، رمضان فوادیان، (۱۳۸۲ش) سیمای عدالت در قرآن کریم، تهران، لوح محفوظ.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳ش). لغتنامه دهخدا، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان، چاپ اول، بیروت - دمشق، دارالقلم - دارالشامیه.

ربانی گلبایگانی، علی (۱۳۸۲ش). آزادی و دموکراسی از دیدگاه اسلام ولیبرالیسم، قم، مؤسسه آموزشی - پژوهشی مذاهب اسلامی.

سامانی، سید محمود (۱۳۸۷ش). مشورت و مشاوران در سنت و سیره پیشوایان، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

شریف رضی، محمد بن الحسن الموسوی، نهج البلاغه (۱۳۸۰هـ). تعلیق و فهرسه: د. صبحی الصالح، تحقیق: فارس تبریزیان، ایران، مؤسسه دار الهجره.

شریف رضی، محمد بن الحسن الموسوی، نهج البلاغه (۲۰۰۸م). تحقیق شیخ محمد عبده، القاهره، مؤسسه المختار.

شهریاری، حمید (۱۳۸۵ش). شورا در فتوا، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول،

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ش). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه و تحقیق: محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عاملی ، محمد بن الحسن الحر(۱۰۳۳ق). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق: عبد الرحیم ربانی، بیروت، دار احیاء التراث.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان(۱۳۹۷ش). تهران، شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان.

کواکبی، سید عبدالرحمان(۱۳۷۸ش). طبایع الاستبداد یا سرشت‌های خودکامگی، ترجمه: عبدالحسین میرزا قاجار، تصحیح: محمد جواد صاحبی، چاپ سوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

مطهری، مرتضی(۱۳۸۰ش). مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چاپ اول، تهران، صدرا.

معین، محمد، (بی تا)، فرهنگ معین، تهران، چاپ اول، انتشارات امیر کبیر.

هربنای(۱۳۷۴ش). فرهنگ انگلیسی، اکسفورد، تهران، مؤسسه نشر کلمه.

هلد، دوید(۱۳۸۱ش). مدل‌های دموکراسی، ترجمه: عباس مخبر، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات

زنان.